

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

لزوم توجه به مشکل مسکن کارگران

میدری در آستانه هفته کار و کارگر بر لزوم توجه به مشکل مسکن کارگران تاکید کرد و گفت: رهبر شهید همواره بر حل مشکل مسکن کارگران تاکید داشتند. از سال ۱۳۶۹ تا آخرین سالی که با کارگران دیدار داشتند تأمین مسکن کارگری را مورد توجه و تاکید قرار دادند.

وی افزود: ایشان سال ۱۳۶۹ اعلام کردند که باید برای مسکن، بهداشت و سلامت کارگران برنامه ریزی و با برنامه اقدام شود. در سال ۱۳۸۹ تاکید فرمودند که مساله بیمه، مسکن و درمان کارگر از جمله موضوعات مهمی است که مسئولان باید به آن توجه کنند.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی ادامه داد: رهبر شهید در سال ۱۴۰۳ همه را به نهضت مسکن کارگری دعوت کردند و فرمودند کارفرمایان و کارآفرینان بزرگ با دولت تلاش کنند و برای مسکن کارگری گام‌های بزرگی بردارند.

به گفته میدری، سال گذشته اقدامات متعددی برای مسکن کارگری صورت گرفت و کارفرمایان برای ساخت ۹۶ هزار مسکن کارگری در کشور اعلام آمادگی کردند.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به آسیب وارده به کسب و کارها و بنگاه‌های اقتصادی در جنگ تحمیلی سوم، افزود: در خصوص بیمه‌بیکاری و آسیب‌هایی که امروز در اثر جنگ به خطوط تولید وارد شده است وزارت کار اقدامات مختلفی را تدارک دیده است. اولاً کارگاه‌هایی که کمتر از ۲۰ نفر کارگر دارند بدون اینکه به سامانه مراجعه کنند می‌توانند فهرست کارگران خود را به ادارات کار اعلام کنند.

میدری تصریح کرد: خوشبختانه در زمان جنگ کارفرمایان نیروهایشان را تعدیل نکردند و تا کنون هم با تعدیل کمی مواجه بودیم زیرا کارفرمایان از وضعیت مملکت خبر دارند و کارگران را سرمایه خودشان می‌دانند لذا از همه کارفرمایانی که در شرایط جنگی کارگران را با همه مشکلات حفظ کردند، تشکر می‌کنیم.

وی با بیان اینکه در وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی پرداخت بیمه بیکاری تعطیل نشده است، اظهار کرد: در کارگاه‌هایی که بیشتر از ۲۰ نفر کارگر دارند با مراجعه به سامانه وزارت کار که وقت اندکی از آنها می‌گیرد، می‌توانند ثبت نام کنند.

به گفته میدری، سامانه مرکز تماس تلفنی وزارت کار از هفته آینده راه اندازی می‌شود و روزانه ۱۸ ساعت پاسخگوی سوالات کارگران و متقاضیان خواهد بود.



وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از همه کارفرمایانی که در شرایط جنگی کارگران خود را با همه مشکلات حفظ و از تعدیل پرهیز کردند، تشکر کرد و با اشاره به اقدامات صورت گرفته وزارت کار به تشریح شرایط بهره‌مندی کارگاه‌های آسیب دیده از جنگ رمضان پرداخت. به گزارش ایسنا، احمد میدری در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران سرلوحه قرار دادن صرفه جویی و پرهیز از اسراف در شرایط جنگی را خواستار شد و گفت: اسراف به نام اقتصاد مقاومتی، وحدت ملی و امنیت ملی نامگذاری شده و کلید اقتصاد مقاومتی، در دست کارگر است.

وی با بیان اینکه این شعار زمانی محقق می‌شود که از تجملگرایی و اسراف پرهیز شود، افزود: رهبر شهید انقلاب در آخرین دیدار با کارگران در سال ۱۴۰۴ فرمودند: اسراف همان کاری را که کشور می‌کند که دشمن می‌خواهد، از طرفی دشمن به وسیله تحریم نفت و تحریم اقتصادی به ملت ایران ضربه می‌زند و ما باید به نحوی رفتار کنیم که با اسراف و عدم صرفه جویی این زنجیره تکمیل نشود لذا مردم را به قناعت، صرفه‌جویی و اسراف نکردن دعوت می‌کنم تا اسراف را از زندگی شخصی خود دور کنیم.

به گفته وزیر کار رشد و توسعه کشورها از اصلاح الگوی مصرف آغاز و با اصلاح الگوی مصرف بسیاری از مشکلات اقتصادی برطرف می‌شود.

رئیس اتاق بازرگانی کرمان:

قوانین و مقررات در شرایط جنگی کشور تسهیل شود



انجام است تا بتوانیم مشکل تأمین سرمایه در گردش را حل کنیم.

رئیس اتاق کرمان در بخش دیگری از سخنانش نسبت به مشکلات کشور در چند ماه آینده هشدار داد و افزود: در اتاق کرمان در حد توان خود برای حل مشکلات تلاش می‌کنیم و باید بر مواردی همچون تأمین مالی، ارتباطات، کریدورهای صادراتی و وارداتی، حمل و نقل، قیمت‌های دستوری و... تمرکز و برای حل آن برنامه ریزی کنیم. وی همچنین به اقدامات اتاق کرمان برای دسترسی فعالان اقتصادی به اینترنت بین الملل نیز اشاره کرد و گفت: در استان کرمان ظرفیت‌های سخت افزاری و نرم افزاری مناسبی برای دسترسی به اینترنت بین الملل برای بازرگانان فراهم شده و مشکلی وجود ندارد.

فعال کارگری:

پیشنهاد دو برابر شدن اعتبار کالا برگ

زیرا طرح کالا برگ به حفظ معیشت و امنیت غذایی خانوارها کمک می‌کند و ما از همان ابتدای اجرای طرح، خواستار افزایش مبلغ آن بودیم.

صالحی تداوم اجرای طرح کالا برگ را به نفع مردم دانست و تصریح کرد: بارها اعلام کردیم که این طرح باید تداوم داشته باشد و توقف آن می‌تواند به معیشت مردم لطمه بزند.

به گفته این فعال کارگری در صورتی که اعتبار کالا برگ تغییر کند و به ازای هر نفر دو برابر شود، کمک بسیار بزرگی به حفظ قدرت خرید در شرایط کنونی بازار است. صالحی ادامه داد: در زمان جنگ هشت ساله کوپن روغن و برنج و قند و شکر از توزیعین اعلام می‌شد و مردم بر اساس آن به فروشگاه‌ها مراجعه و خرید می‌کردند. کوپن خیلی از خانواده‌ها را در ماه تأمین می‌کرد، اکنون کالا برگ جایگزین کوپن شده و اگر از لحاظ اجرا و تخصیص اعتبار در این طرح، مدیریت شایسته‌ای را شاهد باشیم می‌تواند خانوارها را در ماه بی‌نیاز و تأمین کند.

وی با بیان اینکه چنین طرح‌های حمایتی در امرار معاش کارگران موثر است، ابراز امیدواری کرد: مبلغ کالا برگ به جهت رفاه حال خانوارها افزایش یابد.



یک فعال کارگری تداوم اجرای طرح کالا برگ را به نفع مردم دانست و با مثبت ارزیابی کردن تصمیم دولت برای بازنگری و افزایش مبلغ کالا برگ، گفت: چنانچه اعتبار کالا برگ تغییر کند و به ازای هر نفر دو برابر شود، کمک بسیار بزرگی به حفظ قدرت خرید مردم در شرایط فعلی اقتصاد و بازار است.

اسعد صالحی در گفت و گو با ایسنا، با اشاره به بازنگری اعتبار کالا برگ و احتمال افزایش آن در اردیبهشت ماه گفت: طرح کالا برگ طرح بسیار خوبی است و در معیشت خانوارها خصوصاً کارگران اثرگذار است، منتها مدیریت آن مهم است.

وی ادامه داد: تصمیم دولت برای اصلاح مبلغ کالا برگ را مثبت ارزیابی می‌کنم

سر مقاله

پنجره زمانی توافق



دکتر رحمن قهرمانپور / پژوهشگر ارشد مسائل بین‌الملل

● معمولاً صحنه بحران‌های سیاسی از جمله جنگ و وضعیت فعلی که در آن به سر می‌بریم، صحنه‌ای به شدت متغیر، پویا و دینامیک است و در نتیجه «زمان» یک متغیر بسیار مهم در مدیریت بحران‌ها به شمار می‌رود. اصطلاحاً گفته می‌شود که بحران‌ها در یک مقطعی فرود می‌آیند و یک زمان طلایی برای توافق وجود دارد که اگر طرفین در آن زمان به توافق نرسند، چه بسا که منازعه، درگیری و جنگ حالت فرسایشی پیدا کند. این روند را در جنگ اوکراین شاهد بودیم؛ یعنی زمان‌هایی وجود داشت که روسیه در موقعیت برتر بود یا اوکراین موقعیت خوبی داشت و این امکان وجود داشت که دو طرف به یک مصالحه‌ای برسند و این بحران را خاتمه دهند؛ ولی نهایتاً این گونه نشد؛ زیرا اوکراین و روسیه خود را طرف پیروز تلقی می‌کردند و حاضر نبودند، امتیاز بدهند.

در مورد جنگ اخیر نیز مساله و نکته اصلی همین است. باید دقت داشته باشیم که چه زمانی برای مذاکره، مصالحه و کاهش بحران، مناسب‌ترین زمان ممکن است. با توجه به اینکه طرف مقابل ایران، یک کشور نیست و کشورمان درگیر بحران با هفت، هشت کشور است، لذا فرسایشی شدن بحران، عدم خاتمه آن و نرسیدن به یک آتش‌بس یا صلح پایدار ضررهایی بیشتری را متوجه ایران خواهد کرد. البته طرف مقابل هم بدون شک متضرر خواهد شد؛ کما اینکه امروز آمریکا هم به نوعی طرفدار آتش‌بس و مذاکره است. اما می‌دانیم که در یک منازعه، زمانی که میزان قدرت طرفین برابر نباشد، طرفی که ضعیف‌تر است، آسیب بیشتری خواهد دید. لذا در این منازعه ما شاهد هستیم که آمریکا نیز به دستاوردی که می‌خواست نرسیده و دونالد ترامپ در تلاش است تا با نرسیدن به یک دستاورد سیاسی ملموس و غیرقابل مناقشه از این جنگ پیروز خارج شود.

طبیعتاً ترامپ حاضر است در این راستا امتیازاتی به ایران بدهد. اما اگر در طرف ایرانی برداشت این باشد که هنوز زمان مناسب برای مصالحه فرانسیده و می‌توان این بحران را ادامه داد یا به تعبیر برخی آن را فرسایشی کرد، در آن صورت مطالعات مدیریت بحران و منازعات بین‌المللی به ما نشان می‌دهد که طرفی که قدرت کمتری دارد آسیب و زیان بیشتری خواهد دید. بنابراین ایران باید در هر استراتژی‌ای که در نظر می‌گیرد، به متغیر زمان خیلی اهمیت دهد؛ چرا که اگر از آن بازه و فرصت زمانی طلایی که می‌تواند منازعه را خاتمه دهد، عبور کنیم و منازعه فرسایشی شود، در این منازعه فرسایشی موقعیت ما دشوارتر خواهد بود. نکته بعدی این است که وضعیتی که امروز ترامپ ایجاد کرده به نوعی است که توپ را در زمین ایران انداخته و در سطح جهانی این گونه وانمود می‌کند که ایالات متحده طرفدار مذاکره است و ایران است که از میز مذاکره فرار می‌کند. این وضعیت، همان چیزی است که در علم سیاست به آن چهره دوم قدرت گفته می‌شود و در آن شاهد ایجاد وضعیت تعلیق در طرف مقابل هستیم. یعنی شما با اعمال قدرت اجازه نمی‌دهید که طرف مقابلتان تصمیم بگیرد که سیاست مشخصی را اتخاذ کند و در وضعیت تعلیق باقی می‌ماند. وضعیت تعلیق به لحاظ سیاست‌گذاری و حکمرانی یکی از بدترین وضعیت‌ها است؛ زیرا کشوری چون ایران در این شرایط، افق روشنی برای بلندمدت نخواهد داشت؛ افقی که منجر به سرمایه‌گذاری و عادی شدن شرایط شود.

در وضعیت فعلی می‌بینیم که مدارس و دانشگاه‌ها به صورت آنلاین برگزار می‌شوند. این همان وضعیت تعلیق است و اگر مشخص نباشد که این وضعیت چه زمانی خاتمه پیدا می‌کند، نفس این مساله یک نوع اختلال در جامعه وضعف در نظام تصمیم‌گیری است. یعنی نه تنها سیاست در تعلیق است، بلکه خود جامعه نیز در تعلیق است و منتظر است ببیند چه اتفاقی رخ خواهد داد. به تبع این مسائل، اقتصاد و سرمایه‌گذاری نیز به تعلیق خواهند رفت و اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، مدیریت پیامدهای این مساله بسیار دشوارتر خواهد شد. در نتیجه درست است که بالاخره در جامعه، ساختار سیاسی و رقابت‌های سیاسی بخشی از افراد، گروه‌ها و جریان‌های صاحب قدرت معتقد هستند که ما هنوز باید انتقام بگیریم؛ اما به نظر می‌رسد که در کنار این نوع نگرش احساسی به صحنه باید به مساله هزینه‌فایده ادامه وضعیت موجود نیز توجه داشت.

ضمن اینکه این وضعیت تعلیق، یعنی نه صلح و نه آتش‌بس مشخص نیست که در نهایت منجر به صلح خواهد شد یا جنگ. همین الان خبرهایی می‌رسد مبنی بر اینکه ممکن است آتش‌بس یک ماه دیگر نیز تمدید شود. خبرهای دیگر هم حاکی از آن است که ترامپ به طرفین متحد خود اعلام کرده که این آتش‌بس سه روز بیشتر ادامه نخواهد داشت. خود این بلاتکلیفی و اینکه نمی‌دانیم چه اتفاقی خواهد افتاد، شرایط را بسیار دشوار و فرسایشی می‌کند و هزینه‌هایی را که بر سیستم اقتصادی و اجتماعی اعمال می‌شود، افزایش خواهد داد.

در نهایت سیاستگذار باید در نظر بگیرد که آن فرصت طلایی برای توافق کردن و امتیاز گرفتن از دست نرود؛ زیرا ما تجربه جنگ اوکراین را پیش‌روی خود داریم؛ تجربه‌ای که نشان می‌دهد روسیه در یک مقطعی می‌توانست امتیازاتی بگیرد و امتناع کرد و امروز همان امتیازات را هم نمی‌تواند بگیرد. حتی خود اوکراین نیز در مقطعی می‌توانست به جنگ خاتمه دهد، اما فکر می‌کرد که می‌تواند با تشدید بحران امتیاز بیشتری کسب کند یا سرزمین‌های بیشتری را از دست روسیه بگیرد، اما این امر نیز محقق نشد و امروز شاهد یک جنگ فرسایشی بین مسکو و کی‌یف هستیم. ضمن اینکه طرف‌هایی که میانجی‌گری می‌کردند نیز دیگر امروز انگیزه سابق را برای میانجی‌گری کردن ندارند. بنابراین سیاستگذار باید از این پنجره زمانی به نحو احسن استفاده کند و بده‌بستان و امتیازگیری لازم را انجام دهد.